

## محاکمه عثمان اسماعیلی

کارگران ، مردم آزاده

چنانچه اطلاع دارید در تاریخ 96/12/9 جهت سپری کردن احکام صادره از سوی شعبه چهارم دادگاه تجدید نظر استان کردستان خود را به زندان مرکزی سقز معرفی کردم. 10 روز بعد ماموران امنیتی به منزل ما مراجعه می کنند تا بنده را دستگیر نمایند. ماموران وقتی زنگ منزل ما را به صدا در می آوروند، همسرم در را باز می کند و ماموران بدون اینکه به حریم خصوصی ما توجه کرده باشند وارد اتاق شده و از همسرم سؤال می کنند.

عثمان اسماعیلی کجاست؟ .

همسرم شوکه شده و اظهار می دارد که عثمان اسماعیلی 10 روز بیشتر است که در زندان بسر می برد ، چه شده که شما ها بدون هماهنگی وارد منزل ما شدید؟

ماموران به همدیگر نگاه می کنند و می گویند " چرا ما اطلاع نداریم؟ "

همسرم رو به ماموران می گوید " این مشکل شماست که اطلاع ندارید و ...

تاریخ 97/1/23 مامور ابلاغ به منزل ما مراجعه و احضاریه ای به شماره

9610108741702380 تاریخ تنظیم 96/11/28 تحویل خانواده ام می دهد. به اسناد به آن ابلاغیه

باید در مهلت 5 روز خود را به شعبه سوم دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب سقز معرفی کنم. در غیر اینصورت حکم جلب صادر خواهد شد .

وقتی ابلاغیه به خانواده من ابلاغ می گردد من در زندان بودم و دقیقاً همان روز پایان زندان من بود .

در تاریخ 97/1/27 با سپری کردن احکام صادره از زندان آزاد شدم. روز شنبه مورخ 97/2/1

ساعت 9 صبح به شعبه سوم دادیاری سقز خود را معرفی نمودم و اظهار کردم که من عثمان اسماعیلی هستم و تازه از زندان آزاد شده ام. دفتردار پرونده را به قاضی تحویل داد و بعد از چند لحظه محاکمه شروع شد .

قاضی: اسم و نام خانوادگی؟

ج - عثمان اسماعیلی.

قاضی: شما سابقه کیفری دارید؟

ج - بلی من سابقه کیفری دارم و از سن 19 سالگی درک کردم که در جامعه ما نابرابری وجود دارد و بر همین اساس با این بی عدالتی مبارزه کرده ام و مدت 24 سال تبعید و زندانی بوده ام .

قاضی: آقای اسماعیلی شما متهم هستی که با رسانه های خارجی و ضد انقلاب علیه نظام مصاحبه کرده اید؟ و اداره اطلاعات از شما شکای می باشد.

ج - بلی من مصاحبه کرده ام و آن را انکار نمی کنم .

قاضی: شما در مورد محمود صالحی و رضا شهابی و زندانیان سیاسی با رسانه ها مصاحبه کرده اید و اداره اطلاعات را متهم کرده اید که اداره اطلاعات باید شرم کنند از اینکه محمود صالحی را بازداشت کرده اند و...دفاعیات شما در این مورد چیست؟

ج - جناب قاضی ، محمود صالحی و رضا شهابی و سایر زندانیان سیاسی و کارگران زندانی، نباید در زندان باشند. من بعنوان یک انسان وظیفه خود می دانم که از آنان دفاع کنم. در ضمن هیچ مرجع

قضایی به من نگفته است تا مصاحبه نکنم. آقای قاضی من از شما سؤال می کنم؟ آیا این چه وزارت اطلاعاتی است که یک فرد مریض و دیالیزی را بعد از دیالیز و بدون هیچ ابلاغیه ای او را در حیاط بیمارستان بازداشت می کنند؟ جناب قاضی خبر دستگیری محمود صالحی بلافاصله در دنیای مجازی و میان مردم پخش شد و همه افراد جامعه از این بابت نگران بودند. من هم از این موضوع با خبر شدم و به وظیفه انسانی خود دانستم تا از محمود صالحی و همه زندانیان سیاسی دفاع کنم و دفاع خواهیم کرد.

جناب قاضی کسی که از مریضی کلیه و قلب رنج می برد و تحمل حبس را ندارد چرا باید او را بازداشت کنید؟! آن فرد زندگی خود را وقف انسانیت و در راه رهایی طبقه کارگر مبارزه کرده است. آیا من کارگر نباید از او دفاع کنم؟ اگر آن فرد در زندان جان خود را از دست بدهد، چه فایده ای دارد که من سر مزار او گریه کنم، در صورتی که این فرد عزیزترین دوستم است. آن فرد نه تنها همفکرم است بلکه در راستای دفاع از طبقه کارگر همراه هستیم. طبقه کارگر تمام خدمات جامعه را تولید می

کند، اما خود از همه بی بهره است. این چه مملکتی است که طبقه کارگر را محروم نگاه داشته است؟

جناب قاضی من بچه بازار کار هستم و هزاران نفر مثل من از بچگی وارد بازار کار شده اند. ما کارگران مهد کودک، مدرسه و ساختمان برای جامعه درست می کنیم، اما بچه های ما محروم از آن هستند .

قاضی: بله حق با شماست .

جناب قاضی آیا حقوقی که دریافت می کنید زندگی خانوادگی شما را تامین می کند؟ به همین دلیل است که ما کارگران بر علیه نظم موجود و سرمایه داری مبارزه می کنیم. یک عده کارفرما بی انصاف را به جان ما کارگران انداختید تا به هر شکل که خود تشخیص دهند ما کارگران را استثمار کنند و آب از آب هم تکان نمی خورد. به ما کارگران می گویند امنیت مملکت را به خطر انداختیم. من از شما سؤال می کنیم ما کارگران امنیت مملکت را به خطر انداختیم یا آنانی که حقوق های نجومی دریافت می کنند؟ ما مملکت را به خطر انداختیم یا افرادی که سرمایه مملکت را به تاراج برده اند و امروز در خیابانها اروپا مشغول عیش و نوش هستند؟ ما کارگران مملکت را به خطر انداختیم یا کسانی که سرمایه ما را صرف بازسازی و جنگ در کشورهای دیگر می کنند؟ ما کارگران درخواست حقوق های معوقه کرده ایم، ما کارگران مخالف قراردادهای سفید امضاء هستیم، ما کارگران خواستار امنیت شغلی هستیم. آیا این درخواست ها مملکت را به خطر انداخته است که امروز ده ها کارگر در زندان بسر می برند؟ این چه مملکتی است که اکثریت مردم آن کارتن خواب و اقلیتی کوچک تمام سرمایه این کشور را در اختیار دارند؟ این چه مملکتی است که روزانه ده ها نفر را به زندانها می فرستند؟ این چه مملکتی است که در طول 40 سال کالاها از مرزها سرازیر شده و شما می خواهید یک شبه جلو آن را بگیرید و هزاران انسان کولبر را از نان روزانه محروم کنید؟ آقای قاضی من تازه از زندان آزاد شدم و داخل زندان را بررسی کردم. افرادی که امروزه اتهام مشروب، پوشاک، سیگار و مواد مخدر در زندان هستند هیچ کدامشان مجرم نیستند بلکه آنان قربانیان نظام نابرابر سرمایه داری هستند. اگر برای هر کدام از این افراد کار ایجاد کنیم و مشغول به کار باشند جرم و جنایت صفر خواهد شد. آن همه

زندانی که در زندان نگهداری می کنید بعد از پایان حبس یک بار از آن افراد سؤال کرده اید که بعد از زندان به چه کاری مشغول هستی و منبع درآمد شما چیست؟ آن وقت انتظار دارید که جرم و جنایت از بین برود؟.

جناب قاضی من یکی از آن افراد هستم که به برابری انسانها اعتقاد دارم و خواستار برچیده شدن هر گونه نابرابری در جامعه زیر نام نژاد، زبان، قومیت و لباس هستم . من خواهان حکومت کارگری هستم تا تمام انسانها کار کنند و به اندازه نیاز شان از خدمات مملکت استفاده کنند. جناب قاضی، سرمایه داران توان کارکردن ندارند و اگر یک روز ما کارگران اراده کنیم که برای چند روز سود برای آنان تولید نکنیم آن افراد از گرسنگی خواهد مرد . ما کارگران در جامعه سرمایه داری برای به دست آوردن خواست و مطالبات خود باید مبارزه کنیم و این مبارزه تا نابودی نظام سرمایه داری ادامه دارد و با محاکمه من و امثال من جامعه درست نخواهد شد. من نه اولین نفر هستم و نه آخرین نفر خواهم بود .

دیگر حرفی برای گفتن ندارم از شما سپاسگذارم که به صحبت های من گوش دادی و اجازه دادی تا صحبت هایم را عرض کنم .

عثمان اسماعیلی



برگرفته از فیسبوک

تاریخ 97/2/2

